

زبان فرمولواره‌ای و نقش آن در آموزش زبان فارسی

مجتبی کاوه*

آزینا افراشی**

چکیده

این جستار پژوهشی توصیف‌بنیاد است که به معرفی، توصیف، و تحلیل عبارت‌های فرمولواره‌ای و انواع اصلی آن در فارسی می‌پردازد. فرمولواره‌ها دو گونه اصلی دارند: فرمولواره‌های ثابت (پیش‌ساخته) توالی‌هایی هستند که به‌طور یک‌جا فراگرفته می‌شوند، به‌طور یک‌جا ذخیره می‌شوند، و به‌طور یک‌جا به‌کار می‌روند. دیگری فرمولواره‌های زایا (نیمه‌پیش‌ساخته) هستند که هم دارای عناصر ثابت و هم برخی جایگاه‌های تهی هستند که توسط عناصری از مقوله واژگانی مشخص پُر می‌شوند. داده‌های پژوهش از پایگاه داده‌های زبان فارسی، وب‌گردی، زنجیره‌های تلویزیونی، و مشاهدات شخصی گردآوری شده است. این پژوهش به سؤالاتی از این قبیل می‌پردازد که فرمولواره‌ها در چه بافت‌هایی و با چه معنایی به‌کار می‌روند و فراگیری آن‌ها چگونه می‌تواند به رفع مشکل روانی گفتار فارسی‌آموزان بیگانه کمک کند. گوناگونی داده‌ها نشان می‌دهد که فرمولواره‌ها تقریباً در تمامی بافت‌های اجتماعی - فرهنگی و غالباً در معنای اصطلاحی به‌کار می‌روند. در ادامه بر مبنای انگاره پردازش دوسطحی به چگونگی پردازش فرمولواره‌ها پرداخته‌ایم. پس از تحلیل ساختار درونی و ارائه نمونه‌های متعدد از فرمولواره‌ها و دسته‌بندی جایگاهشان در گفتار، به توصیفی دست یافتیم که راه را برای فراگیری آن‌ها در آموزش زبان فارسی

* دانشجوی زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

wtkaveh@gmail.com

** دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، a.afraشي.ling@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

هموار می‌کند. از آن‌جایی که بر مبنای هر فرمولواره زایا می‌توان بی‌نهایت عبارت جدید خلق کرد. بنابراین، فراگیری آن‌ها می‌تواند کمک شایانی به سلاست گفتاری زبان‌آموزان کند.

کلیدواژه‌ها: زبان فرمولواره‌ای، عبارت‌های فرمولواره‌ای، فرمولواره‌های ثابت، فرمولواره‌های زایا، توصیف ساختاری، توصیف معنایی.

۱. مقدمه

زبان فرمولواره‌ای (formulaic language) پدیده‌ای است که در چند دهه گذشته توجه پژوهش‌گران بسیاری را در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ‌نگاری، ترجمه، آموزش زبان، تحلیل گفتمان، و غیره به خود جلب کرده است. فرمولواره‌ها (formulae) توالی‌ای پیوسته یا گسسته از واژه‌ها یا دیگر عناصر زبانی‌اند که آماده و از پیش ساخته شده‌اند و به نظر می‌رسد به‌طور یک‌جا فراگرفته می‌شوند، به‌طور یک‌جا در حافظه ذخیره می‌شوند، و در هنگام استفاده به‌جای این‌که توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به‌صورت واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند. برخی از فرمولواره‌ها تعدادی جایگاه‌های خالی (open slots) و برخی عناصر ثابت (fixed elements) دارند که توسط عناصری از مقوله‌های واژگانی خاص تکمیل می‌شوند. مطالعه فرمولواره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارات جدید و خلاق‌الساعه در خود تینده است. اگرچه زبان‌شناسی زایشی مدعی است که تنها با دانستن واژگان و تعدادی قواعد دستوری می‌توان از پس هر موقعیت ارتباطی برآمد، اما در عمل می‌بینیم که زبان‌های بشری تمایلی به این سازوکار نشان نمی‌دهند و به‌جای آن می‌کوشند تا حجم بسیار عظیمی از عبارت‌های از پیش ساخته‌شده را به ذهن بسپارند تا در لحظه کاربرد بتوانند این عبارت‌ها را بدون نیاز به تولید، از ذهن استخراج کنند و به‌کار ببندند. به‌باور نگارنده این وضعیت نشان‌دهنده این واقعیت است که زحمت تولید و پردازش عبارات بدیع به‌حدی است که زبان‌ها به‌خاطر سپردن حجم گسترده‌ای از عبارات پیش‌ساخته را بدان ترجیح می‌دهند. جستار پیش‌رو پژوهشی است که ضمن معرفی این موضوع و ارائه مثال‌هایی برگرفته از پیکره، نقش آن را در آموزش زبان فارسی برجسته می‌کند.

مواد زبانی که توسط گویشوران به‌کار گرفته می‌شوند به یکی از گونه‌های زیر هستند؛

الف) عبارات بدیع؛

ب) عبارات پیش‌ساخته (از قبل موجود)؛

ج) ترکیب و تناوبی از دو مورد مذکور.

عبارت‌های بدیع (novel) براساس ویژگی‌های زیبایی‌شناختی زبان تولید می‌شوند که موضوع بسیاری از مطالعات زبان‌شناختی در چند دهه گذشته بوده است. اما بخش قابل توجهی از گفتار گویشوران را ساخت‌هایی تشکیل می‌دهد که از قبل در ذهن گویشور ذخیره هستند و در هنگام استفاده به‌جای این‌که توسط دستور زبان تولید شوند به‌طور یک‌جا از حافظه استخراج می‌شوند و به‌کار می‌روند. این قبیل ساخت‌ها را که گویشوران بر صورت و کاربرد آن اجماع دارند عبارت‌های فرمولواره‌ای می‌نامند. صورت فرمولواره‌ها قابل‌پیش‌بینی است و برخی معنای اصطلاحی دارند و به‌نظر می‌رسد که به‌طور ثابت یا توده‌های نیمه‌ثابت در ذهن ذخیره شده‌اند. مثال‌هایی از قبیل «به‌پای هم پیر شین» (شادباشی خطاب به یک زوج جوان)، «شکر میان کلامت» (عذرخواهی هنگام قطع کلام کسی)، «با زحمت‌های ما» (تشکر از زحمت‌های مخاطب)، «هرچه خاک اوست عمر شما باشه» (در هنگام صحبت از یک فرد متوفی)، «همیشه به‌گشت» (آرزوی بهروزی برای مسافر از سفر برگشته)، «روم به دیوار» (عذرخواهی هنگام صحبت از یک تابوی فرهنگی)، «یکی بود یکی نبود» (کلیشه‌ای برای آغاز داستان)، «مشتاق دیدار» (احوال‌پرسی با مسافر برگشته از سفر)، «بعد ۱۲۰ سال» (تصوری دل‌سوزانه در مورد فوت کسی و بعد آن)، «چهاردیواری اختیاری» (بیان تحکم‌آمیز در باب اختیار داشتن فرد در حیطة خانه خود)، «عافیت باشه» (آرزوی عافیت برای کسی که حمام بوده/ عطسه کرده است)، «وقت خواب» (خوش‌وبش با فردی که تازه از خواب بیدار شده است)، «مادرزنت دوستت داره» (خطاب به فردی که هنگام غذا خوردن دیگران سر می‌رسد)، و غیره از نمونه‌های فرمولواره‌های وابسته به بافت (situation-bound formulae) در فارسی هستند. فرمولواره‌ها در مطالعات زبانی نقطه مقابل ویژگی خلاقیت زبانی‌اند، اگرچه خلاقیت از جمله توانایی‌های انکارناپذیر زبان بشر است، اما در بسیاری موارد شیوه ارجح بیان مطالب نیست. ظاهراً زبان تنها هنگامی به استفاده از ویژگی خلاقیت روی می‌آورد که هیچ ساختی از قبل موجود در انباره خود نداشته باشد. فرمولواره‌ها عبارت‌هایی هستند که اگرچه ممکن است دگرگفت‌هایی بالقوه داشته باشند، اما معمولاً بر تمامی این دگرگفت‌ها ترجیح داده می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، فرمولواره‌ها از یک مجموعه انتخاب‌هایی بسیار محدود در میان تمامی جای‌گزین‌هایی که قواعد گفتمان، نحو، صرف، و واژگان مجاز می‌شمارند استفاده می‌کنند. فرمولواره‌ها، برخلاف جنبه‌های زیای رفتار زبانی، افشاکنده جنبه‌های تقلیدی (imitative) این رفتارند.

۱.۱ تعریف زبان فرمولاره‌ای

پژوهش‌گران پدیده‌ی زبان فرمولاره‌ای را به شیوه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند، اما تعریفی را که با اقبال عام روبه‌رو شده ری (9: Wray 2002) مطرح کرده است. وی در حدود شصت اصطلاح را به کار می‌برد که در آثار زبان‌شناسان برای ارجاع به این پدیده به کار رفته است. برخی از این اصطلاحات عبارت‌اند از زبان فرمولاره‌ای، گفتار فرمولاره‌ای (formulaic speech)، توده‌های تجزیه‌نشده گفتار (unanalyzed chunk of speech)، ستاک‌های واژگانی شده جمله (lexicalized sentence stem)، عبارات منجمد (frozen phrases)، کلیشه‌ها (clichés)، صورت‌های فسیل شده (fossilized form)، صورت‌های قراردادی (conventionalized form)، و پاره‌گفتارهای آماده (readymade utterances).

ری از این میان اصطلاح توالی فرمولاره‌ای (formulaic sequence) را برای اشاره به این پدیده به کار می‌برد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند:

توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی که آماده و از پیش ساخته شده هستند، یعنی به طور یک‌جا در حافظه ذخیره هستند و در هنگام استفاده به جای این‌که توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به صورت واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند.

۲.۱ گونه‌های مختلف فرمولاره‌ها

همان‌گونه که اشاره شد، هر عبارتی را که گویشوران در هنگام به کارگیری زبان آن را از قبل در ذهن خود داشته باشند و به تولید آن نیازی نداشته باشند می‌توان یک فرمولاره دانست، لذا فرمولاره را می‌توان یک اصطلاح پوششی دانست که شامل موارد متعددی از قبیل اصطلاحات، باهم‌آیی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، گفته‌ها و اشعار حکمت‌آمیز، کلیشه‌ها، دعاها و نیایش‌ها، عبارات‌های وابسته به بافت، عبارات‌های نیمه‌کاره، و غیره را شامل می‌شوند. به عبارت دیگر، هر ساخت زبانی که با صورت و فرمولی ثابت در موقعیتی خاص توسط سخن‌گویان با اجماع به کار رود جزء فرمولاره‌ها محسوب می‌شوند. ساخت‌های نیمه‌کاره فرمولی زیربنایی دارند که بر مبنای آن بی‌نهایت عبارت جدید می‌توان خلق کرد، مانند عبارت «همه... ها یه طرف، ... هم یه طرف».

فرمولاره‌ها هم‌چنین می‌توانند شیوه‌ای خاص برای بیان مفهومی خاص باشند (بدون این‌که هیچ واژه‌ای در آن‌ها ثابت باشند). برای نمونه، عبارات‌های زیر را در نظر بگیرید که همگی برگرفته از یک فرمول زیربنایی واحد هستند:

- یکی به نعل میزنه، یکی به میخ؛
 - مهمان از مهمان بدش می‌آید، صاحب‌خانه از جفتشان؛
 - نه این پادشاهی به تو می‌مونه، نه این گدایی به ما؛
 - هم از آخور می‌خورد، هم از توبره.
- توصیف ساختاری: دو جملهٔ پیاپی، زمان هر دو جمله حال ساده، دارای ساختار موضوعی یک‌سان، و محذوف‌بودن فعل جملهٔ دوم به قرینهٔ لفظی. همان‌طور که مشاهده شد، در آن‌ها هیچ عبارتی ثابت و تکرار شونده نیست.

۳.۱ جایگاه زبان فرمولواره‌ای در برابر عبارت بدیع

عبارات بدیع نقطهٔ مقابل فرمولواره‌ها هستند. به این معنا که هیچ‌یک از اجزای آن‌ها از قبل ساخته شده نیست و همگی در لحظهٔ بیان و با استفاده از دستور زبان تولید می‌شوند. برخلاف فرمولواره‌ها، که اجزای ثابت دارند و همواره می‌بایست به همان صورت ثابت بیان شوند، تنها محدودیت ناظر بر تولید عبارات بدیع همان قواعد دستوری زبان و ملاحظات کاربردشناختی است. برای روشن شدن موضوع به مثال‌های زیر توجه کنید؛ عبارت‌های زیر به ترتیب فرمولوارهٔ ثابت، نیمه‌ثابت، و جملهٔ بدیع‌اند:

۱. وصف‌العیش نصف‌العیش؛

۲. رفیق داریم تا رفیق؛

۳. معلم درس فیزیک دیروز گذرنامه‌اش را تمدید کرد.

تفاوت جملهٔ اول و جملهٔ سوم در این است که در بیان جملهٔ گروه اول گوینده با نوعی اجبار و محدودیت مواجه است، به گونه‌ای که می‌بایست همین واژه‌ها را به همین ترتیب به کار ببرد و معمولاً اجازهٔ هیچ‌گونه دخل و تصرف واژگانی را ندارند. برای مثال، نمی‌توان به جای واژهٔ «وصف» و «نصف» از واژه‌های مترادف مانند «توصیف» و «نیم» یا غیره استفاده کرد و این که ترتیب عبارت را نیز نمی‌توان بر هم زد و نمی‌توان از عبارت «نصف‌العیش وصف‌العیش» استفاده کرد. به عبارت دیگر، فرمولواره‌های ثابت فقط محور هم‌نشینی دارند و جای‌گزینی هیچ‌یک از عناصر را با عناصر مترادف دیگر جایز نمی‌شمارند. اما در جملهٔ سوم، انواع و اقسام دخل و تصرف‌ها، حذف، و جای‌گزینی‌ها مجازند، یعنی می‌توان به جای واژهٔ «معلم»، «گذرنامه»، و «دیروز» به ترتیب از واژه‌های «دبیر» و «پاسپورت» و «روز گذشته»

استفاده کرد یا واژه «درس» را کلاً حذف کرد یا جمله را به صورت مبتداسازی شده یا اسنادی بیان کرد و درعین حال بازهم جمله طبیعی و دستوری باشد. جمله دوم به لحاظ نظری نقطه تلاقی دو عبارت اول و سوم است. شباهت آن به جمله نخست در بخش‌های ثابت آن (... داریم تا ...) و همچنین محدودیت گزینش مقوله اسم / گروه اسمی (در این جا اسم جنس) تنها عنوان مقوله واژگانی است که می‌تواند جایگاه تهی را پُر کند. اما این عبارت شباهتی نیز به جمله سوم دارد و آن آزادی عملی است که گوینده در انتخاب گروه اسمی دارد، به گونه‌ای که هر بار می‌تواند یک گروه اسمی دیگر را جای‌گزین آن کند و معنایی موازی با عبارت قبلی به دست آورد. یعنی از آن‌جایی که فرمول «... داریم تا ...» به منظور برجسته‌سازی یک گروه اسمی نسبت به سایر مصداق‌های آن دارد، لذا اگرچه هر بار که با به‌کارگیری این فرمول زیربنایی گروه اسمی متفاوتی در آن درج می‌کنیم، اما عبارت حاصل بازهم کارکرد برجسته‌سازی خواهد داشت.

۲. پیشینه تحقیق

از زمان معرفی مفهوم «توانش» توسط چامسکی پژوهش‌ها درباره فراگیری زبان دوم بر اهمیت فرایند خلاق و قاعده‌بنیاد متمرکز بوده‌اند (Myles, Hooper, and Mitchell 1998). علی‌رغم این غفلت در آثار زبان‌شناسان، توالی‌های فرمولواره‌ای همواره جایگاهی حیاتی را در ارتباط بشری، به‌ویژه در تولید گفتار سلیس و اصطلاحی، داشته‌اند (Biber et al. 2004). شواهد معینی از کاربرد توالی‌های فرمولواره‌ای به‌عنوان راه‌برد آموزشی کودکان در دست است. به‌نظر می‌رسد که فراگیری زبان اول و دوم در کودکان عمدتاً توجه به توالی‌های فرمولواره‌ای در درون‌داد زبانی، به‌کارگیری آن‌ها، و تقسیم‌بندی و تجزیه آن‌ها به عناصر کوچک‌ترشان در مراحل بعد است. تجزیه آن‌ها ممکن است در مراحل بعدی و در نتیجه رشد عصب‌شناختی و افزایش حاصله در مهارت‌های شناختی تحلیلی باشد (Wood 2002). پژوهش‌هایی که در زمینه تأثیر فرمولواره‌ها در فراگیری زبان کودکان انجام شده عموماً از نظر ماهیت مطالعات طولی (longitudinal studies) بوده‌اند.

میلز، هوپر، و میچل (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای که با عنوان «طوطی‌وار یا قاعده‌بنیاد» مشهور است، نقش فراگیری طوطی‌وار فرمولواره‌ها را در آموزش زبان بررسی کردند. آن‌ها داده‌هایی از شانزده کودک نوآموز فرانسه را در مطالعه‌ای طولی بررسی کردند و از این طریق رخداد تعداد محدودی واحدهای واژگانی بزرگ را پس از آموزش آن‌ها، طی دو

سال رصد کردند. آن‌ها می‌خواستند تکه‌سازی و به‌کارگیری مجدد اجزای این توالی‌ها را در شکل‌گیری ظرفیت خلاق زبان نشان دهند. داده‌های آن‌ها نشان داد که زبان‌آموزان نه تنها توالی‌های نخستین را تجزیه کرده بودند، بلکه اجزای آن توالی‌ها را به‌طور زیاده در خلق عبارت‌های جدید به‌کار گرفته بودند.

وینرت (Weinert 1995) در پژوهشی توصیفی نقش فرمولواره‌ها را در فراگیری زبان دوم بررسی کرده است. وی با به‌کارگیری رویکردهای گوناگون و ارجاع فراوان به شیوه فراگیری و به‌کارگیری زبان اول سه نقش عمده برای فرمولواره‌ها قائل شده است: راه‌برد ارتباطی، تولیدی، و یادگیری. وی استدلال می‌کند که مهم‌ترین تکلیف پرداختن به موانع نظری و روش‌شناختی پیرامون تعریف و تشخیص فرمولواره‌ها و قراردادن شأن مطالعاتی آن‌ها در یک چهارچوب نظری کلان و منسجم است. وی تحقق این امر را در اتخاذ به نظریه‌هایی می‌داند که مرز قاطع بین دانش و به‌کارگیری زبان را کنار می‌نهد.

بنابر پژوهش پیترز (Peters 1983) کودک در ابتدایی‌ترین مراحل شیوه‌هایی را به‌منظور استخراج تکه‌های معنادار از جریان مکالمه به‌کار می‌گیرد. وی قادر است که آن‌ها را به‌یاد آورد، به‌لحاظ واج‌شناختی آن‌ها را با دیگران مقایسه کند، و آن‌ها را به‌عنوان واحدهای واژگانی جدید به ذهن بسپارد. آن‌ها به‌صورت واحدهای کلی در واژگان ذخیره می‌شوند. بعدها، پس از این‌که وی به رشد شناختی کافی دست یافت، قادر خواهد بود تکه‌های ذخیره‌شده را تجزیه کند و سپس الگوهای ساختاری و اطلاعاتی درخصوص طبقات توزیع آن‌ها را، که توسط تجزیه مشخص شده است، شناسایی کند و به ذهن بسپارد.

بانس، بورمیستر، و فوگل (Bahns, Burmeister, and Vogel 1986) فراگیری زبان دوم گروهی از کودکان را بررسی کردند و شواهدی از فرایند تکه‌سازی (desegmentation) فرمولواره‌ها یافتند. آن‌ها دو عامل کاربردشناختی مشخص را در کاربرد فرمولواره‌ها توسط کودکان کشف کردند؛ نخست چهارچوب‌های موقعیتی که کاربرد آن‌ها را ایجاب می‌کند و دیگری بسامد رخداد فرمولواره‌ها.

بولندر (Bolander 1989) در مطالعه‌ای که درخصوص فراگیری زبان سوئدی توسط بزرگسالان انجام داد دریافت که توالی‌های فرمولواره‌ای موجب تسهیل و صرفه‌جویی فراوان در امر فراگیری و به‌کارگیری زبان می‌شوند. در این بررسی طولی مشاهده شد که بزرگسالان پیوسته واحدهای زبانی ازپیش ساخته‌شده را، که دربردارنده ساخت‌های زبان مقصد بودند، بسیار زودتر از آن‌که خود آن ساخته را یاد بگیرند، به‌کار می‌بردند (مثلاً در

فارسی می‌توان گفت که آن‌ها قبل از این‌که ساختار شرطی نوع اول را بیاموزند، عبارت «اگر پشت گوشت رو دیدی، ... رو هم می‌بینی» را فرامی‌گیرند و به کار می‌برند). الیس (Ellis 1996) در بررسی کاربرد فرمولواره‌ها در فراگیری زبان دریافت که این توالی‌ها نقش ویژه‌ای در فراگیری زبان بزرگسالان دارند. وی بیان می‌دارد که بخش اعظمی از فراگیری زبان در واقع فراگیری توالی‌های ازبرشده است و این‌که تکرار و تمرین آن‌ها در کوتاه‌مدت موجب شکل‌گیری اطلاعات (صرفی، نحوی، معنایی، و غیره) مربوط به توالی در فراگیری زبان می‌شود.

۳. روش تحقیق

داده‌های این پژوهش به روش‌های گوناگون گردآوری شده‌اند. بخش زیادی از داده‌ها از پایگاه داده‌های زبان فارسی، وب‌گردی با کمک کلیدواژه‌ها، مشاهدات شخصی، زنجیره‌های تلویزیونی، و گزارش‌های ورزشی گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز نخست از شمّ زبانی گویشوران متعدد و هم‌چنین از فرهنگ‌های لغت بهره گرفته‌ایم. این پژوهش در دو بخش انجام شده است؛ نخست به بررسی فرمولواره‌های ثابت و وابسته به موقعیت و مثال‌هایی از آن و کاربرد آن در آموزش زبان فارسی پرداخته‌ایم؛ بخش دوم به بررسی فرمولواره‌های نیمه‌ثابت (زایا) می‌پردازد و نقش آن‌ها را در آموزش زبان می‌کاود. رویکرد این مقاله به بررسی فرمولواره‌ها توصیفی (نظریه خنثی) بوده و کوشیدیم تا حد امکان از اصطلاحات رایج معنی‌شناختی و تحلیل گفتمان بهره گیریم.

۴. بررسی، توصیف، و تحلیل انواع فرمولواره‌ها

فرمولواره‌ها را می‌توان به دو گونه اصلی ثابت / ازپیش‌ساخته (prefabricated) و زایا / نیمه‌پیش‌ساخته (semi-prefabricated) تقسیم‌بندی کرد.

۱.۴ فرمولواره‌های ثابت

فرمولواره‌های ثابت، همان‌طور که از نامشان پیداست، عبارت‌هایی درحد چند واژه با ترتیب ثابت بوده که معمولاً به بافت و موقعیت خاصی تعلق دارند و تشخیص این ارتباط در واقع بخشی از گویشوران نسبت به زبانشان است. این ساخت‌ها نشان‌دهندهٔ اجماع اهل زبان

برسر کاربرد یک صورت خاص در یک موقعیت فرهنگی اجتماعی معین است. رابطه بین فرمولواره‌های ثابت و بافت متناسب با آن‌ها رابطه‌ای دوسویه است که هرکدام دیگری را تداعی می‌کنند. برای مثال، فرمولواره «غم آخرتون باشه» مجلس ترحیمی را تداعی می‌کند و از سوی دیگر حضور در مجلس ترحیم نیز فرمولواره مذکور را به ذهن متبادر می‌سازد. تفاوت این قبیل فرمولواره‌ها با اصطلاحات (که به‌باور نگارنده هردو از موارد متعدد فرمولواره‌ها هستند) در این است که اصطلاحات در واقع نوعی دگرگفت برای یک گزاره عادی‌اند که بدون آن‌ها نیز نظام زبان دچار مشکل نمی‌شود، زیرا معادل تحت‌اللفظی اصطلاحات، که قطعاً قدمت بیش‌تری از اصطلاحات دارند، به‌خوبی می‌توانند همان گزاره‌ها را بیان کنند. اما درخصوص فرمولواره‌ها چنین نیست. چنان‌چه فرضاً فرمولواره‌های وابسته به موقعیت را با دگرگفتشان جای‌گزین کنیم، ساختی غیرطبیعی به‌دست می‌آید که معمولاً خوش‌آیند اهل زبان نیست. برای مثال، تصور کنید که فردی خطاب به زوجی جوان به‌جای عبارت «به‌پای هم پیر شوید»، از عبارت «امیدوارم درکنار هم‌دیگر سال‌مند گردید» استفاده کند. در آثار فکاهی به‌وفور مشاهده می‌کنیم که طنزپردازان به‌منظور ایجاد موقعیت طنز یا واژه‌های یک فرمولواره را با مترادف آن‌ها جای‌گزین می‌کنند یا به‌کلی فرمولواره‌ای را در موقعیتی نابه‌جا به‌کار می‌برند.

آنچه در ادامه می‌آید فهرستی مختصر از فرمولواره‌های ثابت فارسی به‌هم‌راه برخی کاربردهای متداول آن‌هاست:

- رسیدن به‌خیر/ همیشه به‌گشت (خطاب به مسافر برگشته از سفر)؛
- خدا بد نده (در عیادت یا احوال‌پرسی از فردی مصدوم یا مجروح)؛
- روم به دیوار (عذرخواهی هنگام بیان یک تابوی فرهنگی)؛
- نایب‌الزیاره باشید (درخواست دعا و نیابت زیارت به زائری که به زیارت می‌رود)؛
- نه حرف من، نه حرف تو (برای رسیدن به توافق برسر قیمت در معامله)؛
- گلاب به روتون (عذرخواهی بابت بیان یک تابوی فرهنگی)؛
- در پناه خدا/ به امید دیدار (هنگام وداع)؛
- با زحمت‌های ما (تشکر از کسی که اخیراً زحمتی یا دردسری برای او داشته‌ایم)؛
- فردا هم روز خداست (مجاب‌کردن کسی برای ادامهٔ انجام کاری در روز بعد)؛
- خدا از دهانت بشنود (تأیید کسی که حرف دل ما را می‌زند)؛

- از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان (هنگام افشای یک راز یا مطلب خصوصی)؛
- شما که غریبه نیستی (بیان یک حرف خصوصی)؛
- خدا بیامزدش / ما رو تو غمتون شریک بدونید / انشاءالله تو شادی‌هاتون شرکت کنیم / هرچی خاک اونه عمر شما باشه (تسلی فرد عزادار)؛
- تو رو به‌خیر و ما رو به‌سلامت؛
- پارسال دوست، امسال آشنا (اشاره به مدت طولانی ندیدن کسی در هنگام احوال‌پرسی)؛
- این تن بمیره (نوعی قسم برای درخواستی یا قبولاندن سخنی)؛
- حرف مرد یکیه (پافشاری بر اظهارات پیشین)؛
- خیر از شما (قرار ادامه کاری را گذاشتن)؛
- صد سال به این سال‌ها (احوال‌پرسی‌های مناسبتی؛ هنگام نوروز)؛
- نماز و روزه‌ها قبول (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در ماه رمضان)؛
- بر یزید لعنت (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در ماه محرم)؛
- انشاءالله صدویست‌ساله بشی (احوال‌پرسی مناسبتی؛ در جشن تولد)؛
- مادر نزاییده (بیان غیرممکن بودن انجام کاری به‌باور گوینده)؛
- شیری یا روباه (پرس‌وجو از کسی درباره پی‌آمد کاری)؛
- (ولی) خودمونیمما ... (قبل از بیان حقیقتی کتمان‌شده و این‌که گوینده از مخاطب می‌خواهد آن را فاش نسازد)؛
- نوش جان، جای شما خالی، دوستان به‌جای ما، نمک نداره، نمک‌گیر نمی‌شین، نسویه داده نمی‌شود حتی به شما، چشمم کف پات، و غیره.

۲.۴ نقش فرمولواره‌های ثابت در آموزش زبان

نگارنده بر این باور است که برای روشن‌شدن نقش فرمولواره‌ها در آموزش زبان ابتدا می‌بایست به این پرسش پرداخت که شأن وجودی فرمولواره‌ها در زبان چیست و چرا زبان چنین ساخت‌هایی را در خود تنیده است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که ما روزمره در دنیای خارج از زبان با موقعیت‌های اجتماعی بسیار تکرارشونده‌ای روبه‌رو هستیم. در طول یک روز ممکن است به دفعات بسیار با افراد مختلف در مناسبت‌های مختلف (از قبیل سلام و احوال‌پرسی، وداع، معذرت‌خواهی، سرزنش، انتقاد، شوخی، تهدید، تمجید،

تعارف، همدردی، و غیره) تعامل زبانی داشته باشیم. اگر قرار بود که برای هر موقعیت تکرارشونده عبارتی بدیع و خلاق‌الساعه تولید کنیم، آن‌گاه امر ارتباط بسیار مشکل و پیچیده می‌شد. از این رو، ویژگی صرفه‌زبانی ایجاب می‌کند که زبان برای رویارویی با موقعیت‌های اجتماعی تکرارشونده ساخت‌هایی از پیش آماده را در اختیار داشته باشد تا بتواند به راحتی در بافت‌های خاص امر ارتباط را پیش ببرد. برای روشن شدن ضرورت فرمولواره‌ها در زبان کافی است زبانی فرضی فاقد فرمولواره را با زبانی طبیعی مقایسه کرد. چنین زبانی اگرچه واژگان تک‌لایه و بسیار محدودتری دارد و به همین دلیل بار بسیار کم‌تری بر دوش حافظه نهاده است، اما در عوض می‌بایست در تمامی موقعیت‌ها عبارات جدید و خلاق‌الساعه را از صفر تولید کند که متضمن فشار و تکلف زیادی بر قوه نطق است. در واقع می‌توان گفت که تکلف تولید و پردازش عبارات بدیع و خلاق‌الساعه در نزد زبان به‌حدی بوده است که زبان‌های بشری به خاطر سپردن حجم عظیمی از عبارات‌های از پیش ساخته شده برای استفاده در موقعیت‌های تکرارشونده را بدان ترجیح داده است. به‌باور نگارنده، فرمول‌وارگی را می‌توان ویژگی ذهن بشر دانست که در اعمال و رفتار انسان بازتاب‌های گوناگون دارد و زبان فرمولواره‌ای را می‌توان بازتاب این ویژگی در پدیده زبان دانست.

کاربرد فرمولواره‌های ثابت در بحث آموزش زبان را می‌توان از چند منظر بررسی کرد. نخست آن‌که با آموزش این فرمولواره‌ها در بافت واقعی برگرفته از پیکره و توصیف دقیق موقعیت زبانی / غیرزبانی آن‌ها، زبان‌آموزان در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، به‌جای این‌که به عباراتی از نزد خود بیندیشند (که غالباً شبیه آن‌چه گویشوران بومی بیان می‌کنند نیست)، عبارتی صحیح و به‌جا در اختیار داشته باشند که قویاً مورد اجماع اهل زبان است و بدین ترتیب، می‌توان گامی بزرگ به سوی روانی و سلاست و گفتار گویشورگونه (native like) برداشت. این کار غالباً به کمک خرده‌گفتمان (mini discourse) انجام می‌شود. خرده‌گفتمان مکالمه‌ای کوتاه بین دو یا چند مشارک است که زمینه به‌کارگیری فرمولواره را می‌چیند و سپس فرمولواره مشخص در موقعیت کاملاً صحیح و به‌جای خود به کار می‌رود. یعنی با کمک خرده‌گفتمان نشان دهیم که فرضاً عبارات‌های «نمک‌پرورده‌ایم»، «نیک‌ی و پرسش»، و «شنونده باید عاقل باشد» دقیقاً در چه موقعیتی به کار می‌روند. این ایده در بسیاری از کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی نیز به‌خوبی نمایان است (برای مثال، بنگرید به مجموعه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی *Tune In* تألیف پروفیسور ریچاردز (Richards)).

مورد دیگر این‌که بسیاری از فرمولواره‌ها که در موقعیت‌های گوناگون به کار می‌روند پاسخی فرمول‌وار نیز دارند که آن نیز مورد اجماع اهل زبان است.

نگارنده با تجربه سال‌ها تدریس زبان انگلیسی همواره شاهد اهمیت موضوع فوق در نزد زبان‌آموزان انگلیسی بوده است. برای مثال این‌که در هنگام احوال‌پرسی / خداحافظی عبارتهای زیر در حالت پاسخی کاملاً قراردادی دارند:

- What's up?
- Catch you later?
- How have you been?
- How's it going?
- Bye for now.

گفتنی است که بانک داده‌های این پژوهش پاسخ‌های مناسب هر فرمولواره را گردآوری کرده که می‌توان در قالب خرده‌گفتمان در اختیار فارسی‌آموزان قرار داد. مانند فرمولواره‌های «الف» و برخی پاسخ‌های «ب» در زیر:

الف: احوال شما (چه‌طور)؟ ب: ممنون / الحمدلله / خدا رو شکر.

الف: خسته نباشید! ب: مانده نباشی! / سلامت باشید!

الف: خوش گذشت؟ ب: جای شما خالی.

الف: کوچولوتون خوب هستند؟ ب: دست‌بوس شماست.

الف: سلام برسونید. ب: سلامت باشید / بزرگی تون رو می‌رسونم.

الف: خداحافظ / خدانگه دار ب: در پناه خدا / به سلامت.

الف: خدا بد نده! ب: بد نبینی!

الف: التماس دعا. ب: محتاجیم به دعا.

الف: قبول باشه! ب: قبول حق باشه!

الف: نمک نداره. ب: نمک پرورده‌ایم.

الف: تشریف داشتید. ب: صاحب‌تشریف باشید.

الف: خدا (پدر) شما رو رحمت کنه! ب: خدا اموات شما رو هم بیامرزه / خدا همه اموات رو رحمت کنه.

موارد فوق حقیقتاً مثنوی از خروار عظیم ساخت‌های پیش‌ساخته فارسی هستند که پاسخ‌هایی حاضر و آماده در نزد اهل زبان دارند که با طبقه‌بندی و آموزش آن‌ها به فارسی‌آموزان می‌توان گامی عظیم در جهت روانی گفتار اصطلاحی آن‌ها برداشت.

گونه‌ی دیگر فرمولواره‌هایی هستند که تنها در بافت‌های غیرزبانی خاص خود به کار می‌روند، مانند:

- «حلال‌زاده پیدایش شد» (اشاره به کسی که در هنگام صحبت درمورد وی ناگهان سر می‌رسد).

- «عافیت باشه» (طلب عافیت برای کسی که عطسه کرده/ حمام بوده است).

- «قبول باشه» (خطاب به کسی که از نماز فارغ شده است).

- «مادرزنت دوستت داره» (خطاب به کسی که هنگام صرف غذا سر می‌رسد).

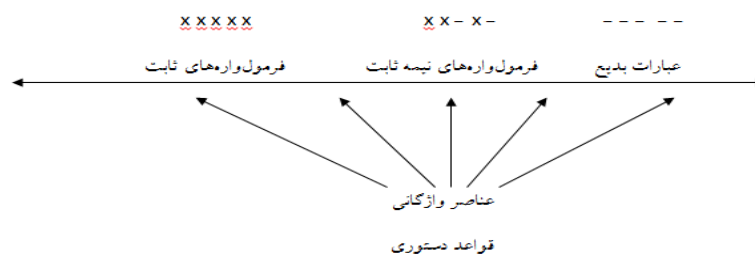
- «شکر میان کلامت» (عذرخواهی هنگام قطع کردن کلام دیگری).

- «آب نطلبیده مراده» (تعارف کردن آب به کسی که اظهار تشنگی نکرده به فال نیک گرفته می‌شود).

گردآوری و توصیف این قبیل بافت‌ها برای به‌کارگیری صحیح این فرمولواره‌هاست:

۳.۴ فرمولواره‌های نیمه‌ثابت (زایا)

فرمولواره‌های زایا به ساخت‌هایی گفته می‌شود که برخی جایگاه‌های ثابت و برخی جایگاه‌های تهی دارند که با عناصری از یک مقولۀ واژگانی خاص پُر می‌شوند. اگر پیوستاری را در نظر بگیریم که زبان بدیع در یک سوی آن و عبارت‌های کاملاً ازپیش ساخته‌شده در سوی دیگر آن باشند، آن‌گاه فرمولواره‌های نیمه‌پیش ساخته را می‌توان حدفاصل این دو نوع ساخت دانست، زیرا بخشی از اجزای آن‌ها ثابت و برخی دیگر متغیرند. نمودار ۱، که به انگارۀ پردازش دوسطحی (dual process modal) معروف است، این وضعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد.



نمودار ۱. وضعیت ساختاری فرمولواره‌های ثابت، نیمه‌ثابت، و عبارات بدیع: قواعد واژ - واجی حرکتی و درج واژه (ونلنکر سیدتس، به نقل از کوریگان و دیگران ۲۰۰۹: ۴۶۴)

در این نمودار، Xها نمایان‌گر عناصر ثابت و -ها نمایان‌گر عناصر متغیرند. این نمودار نشان می‌دهد که درخصوص فرمولواره‌های ثابت با عنصری کاملاً از قبل آماده روی محور هم‌نشینی سروکار داریم، درحالی‌که در گفتار بدیع هرگونه تغییری را می‌توان روی محور جانشینی ایجاد کرد و عبارت‌های متنوعی به‌دست داد. در حدّ وسط این نمودار نیز فرمولواره‌های نیمه‌ثابت را داریم که دربردارنده ویژگی‌های مربوط به هر دو سوی پیوستارند. هر فرمولواره زایا شامل یک توصیف ساختاری (structural description) (ویژگی‌های نحوی، معنایی، و کاربردشناختی عناصر ثابت و متغیر آن‌ها) و یک توصیف معنایی (semantic description) (معنایی که گویشور از آن فرمولواره در ذهن دارد) است. در آثار زبان‌شناسان غربی، به هر عبارت یا جمله‌ای که از یک فرمولواره زایا ساخته می‌شود تصریف (inflection) آن فرمولواره می‌گویند و اگر علاوه‌بر عناصر اصلی فرمولواره، قسمت‌های اختیاری دیگری نیز به تصریف افزوده شود، به آن بسط (extension) آن فرمولواره گفته می‌شود. در ادامه چند نمونه از توصیف ساختاری (فرمول زیربنایی) و توصیف معنایی به‌هم‌راه برخی ملاحظات کاربردشناختی فرمولواره‌های زایا به‌هم‌راه مثال‌های واقعی برگرفته از پیکره می‌آید.

الف:

توصیف ساختاری: داریم تا (هر دو جای خالی توسط گروه اسمی یک‌سانی پر می‌شود).

توصیف معنایی: گوینده با به‌کاربردن این ساخت اعلام می‌دارد که اگرچه دو شیء، موضوع، پدیده، و... که توسط گروه اسمی بیان شده‌اند از یک نام برخوردارند، اما ویژگی‌هایی و کیفیت‌های بسیار متفاوتی با یک‌دیگر دارند، به‌طوری‌که یکی بسیار برتر از دیگری است و از این ره‌گذر نوعی برجسته‌سازی انجام دهد.

به‌باور نگارنده، فرمولواره‌هایی از این دست می‌توانند به تعداد گروه‌های اسمی موجود در زبان فارسی تصریف داشته باشند. به‌بیان‌دیگر، یک فارسی‌زبان با دانستن فرمول زیربنایی این فرمولواره و محدودیت‌های حاکم بر آن، می‌تواند بی‌نهایت عبارت جدید بیان کند. برای نمونه: - آدم داریم تا آدم، رفیق داریم تا رفیق، گفتن داریم تا گفتن.

ب:

توصیف ساختاری: حالا و کی (جایگاه اول با یک فعل نهی و جایگاه دوم توسط یک فعل امر از مصدری واحد پُر می‌شود).

توصیف معنایی: گوینده با استفاده از این ساخت این نکته را اراده می‌کند که فاعل این توالی عملی را برای مدتی نسبتاً طولانی یا دفعات بسیار با شدت و حدّت فراوان و بدون وقفه انجام داده است.

- (دستش رو گذاشت روی بوق)، حالا بوق نزن و کی بوق بزن.

- (سرش رو گذاشت رو شونه مادرش)، حالا گریه نکن و کی گریه کن.

- (داشتم خواب می‌دیدم دارم با یه نفر دعوا می‌کنم)، حالا نزن و کی بزن.

پ:

توصیف ساختاری: که نیست، است.

توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که گروه اسمی مذکور بسیار متفاوت با حدّ و عرف طبیعی خود است. وی برای بیان مفهوم خود این گروه اسمی را با یک گروه اسمی دیگر که در ادامه جمله می‌آید برابر می‌کند تا از این طریق احساس خود را به شنونده القا کند.

- بچه که بچه نیست، زلزله است.

- ماشین که ماشین نیست، هیولا است.

- رو که رو نیست، سنگ‌پای قزوینه.

ت:

توصیف ساختاری: همانا، (و) همان (جایگاه اول توسط عبارت زمینه‌چین و جایگاه دوم توسط عبارت نتیجه پُر می‌شود). عبارت نتیجه همواره ناخواسته و خارج از کنترل فاعل جمله اول است.

توصیف معنایی: گوینده بیان می‌دارد که دو عمل بلافاصله پس از یکدیگر رخ دادند یا این‌که بین عمل اول و دوم رابطه علت و معلول برقرار است.

- شوخی بی‌جا همانا و راهی بیمارستان شدن همان.

- پارتنی گرفتن همانا و پایین آمدن سقف خانه همان.

توصیف ساختاری: همه ... ها به طرف، ... به طرف (جایگاه نخست توسط یک گروه اسمی و جایگاه دوم توسط یک نمونه خاص از آن گروه اسمی یا بخشی از آن پُر می‌شود).

توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که گروه اسمی دوم (که خود در واقع نوعی یا بخشی از گروه اسمی اول است) از تمام انواع گروه اسمی اول به نوعی برتر است.

- همه عشق‌ها یه طرف، حرم مولا یه طرف.
- همه دنیا یه طرف، خنده عشقم یه طرف.
- همه تیم‌ها یه طرف، لیورپول یه طرف.
- توصیف ساختاری: نه به ... نه به ... (جایگاه‌های اول و دوم به دو وضعیت به‌باور گوینده کاملاً عکس یک‌دیگر اشاره دارند).
- توصیف معنایی: گوینده با اشاره به نوعی افراط و تفریط مخاطب را مورد انتقاد قرار می‌دهد.
- نه به اون پنالتی گرفتنت، نه به این لابی خوردنت.
- نه به اون گرون کردن برق، نه به این هدیه‌ها.
- نه به اون شوری شور، نه به این بی‌نمکی.
- توصیف ساختاری: این ... دیگه برای (ضمیر فاعلی / اسم / صفت ملکی) ... بشو نیست / نبود (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یک‌سانی پُر می‌شود).
- توصیف معنایی: گوینده گله‌مندی و عدم رضایت و ناامیدی خود را از کیفیت کارآیی / قابلیت، دوام، و ... گروه اسمی مورد نظر بیان می‌دارد.
- این دست دیگه برات دست بشو نیست.
- دیگه این گوشی برام گوشی بشو نیست.
- نخیر، این کیبورد دیگه برای ما کیبورد بشو نیست.
- توصیف ساختاری: ... هم ... قدیم (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یک‌سانی پُر می‌شود و گروه اسمی دوم اگر عام باشد، مفرد و اگر خاص باشد، جمع است).
- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که مصداق‌هایی از گروه اسمی که در گذشته موجود بوده بسیار بهتر از نمونه‌های کنونی آن‌ها بودند.
- مرد هم مردهای قدیم.
- عشق هم عشق‌های قدیم.
- شیراز هم شیراز قدیم.
- توصیف ساختاری: یه ... میگم، یه ... می‌شنوی (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یک‌سانی پُر می‌شوند).
- توصیف معنایی: گوینده با بیان این توالی اظهار می‌دارد که ویژگی‌های گروه اسمی مذکور بسیار فراتر و متفاوت از آن است که در این گفتمان بیان می‌شود.

- یه فسنجون می گم یه فسنجون می شنوی!
- یه چیز می گم، یه چیز می شنوی.
- توصیف ساختاری: بی (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی پُر می شود).
- غذا بی غذا، اجازه بی اجازه، پول بی پول.
- توصیف معنایی: گوینده به مخاطب خود اعلام می کند که با درخواست یا پیش نهاد وی قویاً مخالف است.
- ملاحظات کاربردشناختی: به لحاظ کاربردشناختی در بیان این ساخت نوعی تحکم و برتری جایگاه در گفتمان وجود دارد. منظور از تحکم این است که هرگز یک شخص فرودست نمی تواند این ساخت را خطاب به یک شخص بالادست به کار ببرد، مثلاً یک دانش آموز نمی تواند با این ساخت معلم خود را خطاب کند. به باور نگارنده، آموزش ندادن چنین ملاحظاتِ کاربردشناختی به زبان آموزان می تواند به تولید جملات نابه جا و گستاخانه منجر گردد.
- توصیف ساختاری: هم است / بود (هر دو جایگاه توسط گروه اسمی یکسانی، که شامل عدد و معدود است، پُر می شود).
- توصیف معنایی: گوینده بر این باور است که داشتن / به دست آوردن / برخوردار بودن چیزی به میزان عدد و معدود ذکر شده از نبود آن بسیار بهتر است و به چشم یک حداقل بهتر از هیچ به آن می نگرد.
- تو این بی پولی دو تومن هم دو تومنه.
- دو روز هم دو روزه.
- ده متر هم ده متره.

۴.۴ فرمولواره‌ها چگونه موجب روانی گفتمان می شوند؟

فرمولواره‌ها به شیوه‌های گوناگون می توانند تولید و پردازش زبانی را تسهیل کنند و موجب روانی امر گفتمان شوند که در این جا تنها به یک نوع آن اشاره می شود. برای مثال، فرمولواره زیر را به هم راه یک تصریف آن در نظر بگیرید.

- ... یه طرف، ... یه طرف.
- مثال: همه ماشین‌ها یه طرف، پاجیرو یه طرف.

همان‌گونه که هر فارسی‌زبانی می‌داند، کارکرد گفتمانی این فرمولواره برجسته‌سازی گروه اسمی است که در جایگاه تَهِی دوم می‌آید. یعنی باور گوینده بر این است که پاجیرو (گروه اسمی دوم) از تمام انواع ماشین‌ها (گروه اسمی اول) به‌نوعی برتر است. به‌باور نگارنده هر گویشور فارسی‌زبان دانشی نسبتاً برابر از هریک از این توالی‌های فرمولواره‌ای دارد و این بخشی از دانش زبانی آن‌هاست. به‌عبارت‌دیگر، شنونده معنا و کارکرد گفتمانی هریک از این توالی‌ها را می‌داند، اما برای این که معنا و مفهوم موردنظر گوینده را درک کند، تنها کافی است بداند که چه عناصر زبانی‌ای در جایگاه‌های خالی این توالی فرمولواره‌ای قرار می‌گیرند. در یک قیاس نه‌چندان دقیق می‌توان فرمولواره‌های زایای گفتار را به خطوط آهن تشبیه کرد که قطار را به مسیری از پیش تعیین شده رهنمون می‌شوند و با این‌که قطار و خطوط آهن ثابت هستند، اما مسافران می‌توانند هر بار تغییر کنند. اگر بپذیریم که شنونده و گوینده هر دو دانشی برابر نسبت به این فرمولواره دارند و اگر این ساخت را از محل قرارگرفتن ویرگول به دو قسمت تقسیم کنیم، به‌محض اتمام قسمت اول فرمولواره از سوی گوینده، شنونده ماهیت آن را می‌شناسد و دانش خود را درباره آن فعال می‌کند، این درحالی است که گوینده هنوز قسمت دوم را تولید نکرده است. در این لحظه شنونده به‌درستی درمی‌یابد که گوینده به داشتن نوعی ویژگی خاص و نوعی برتری درمورد گروه اسمی واقع در ابتدای قسمت دوم قائل است و می‌خواهد آن گروه اسمی را در گفتمان برجسته سازد. شنونده هم‌چنین می‌داند که گروه اسمی واقع در ابتدای قسمت دوم فرمولواره می‌بایست یک نمونه خاص (یا جزئی) از گروه اسمی واقع در قسمت اول باشد، یعنی پاجیرو یک نوع ماشین است. شنونده حتی می‌داند که پس از این گروه اسمی در راه تولید می‌بایست ادامه فرمولواره بیاید که عبارت است از: گروه اسمی دوم + یه طرف. جان کلام این‌که تمامی فعالیت‌های لازم برای پردازش این فرمولواره در پایان قسمت اول و قبل از تولید قسمت دوم از سوی شنونده صورت گرفته و او فقط و فقط منتظر است تا بداند تحقق واژگانی این گروه اسمی واقع در جایگاه تَهِی دوم چیست تا پردازشش از کل توالی کامل شود. به‌عبارت‌دیگر، شنونده در پایان قسمت اول این توالی:

- فرمولواره را شناسایی کرده است.
- دانش خود را درباره آن فعال کرده است.
- به‌باور گوینده درمورد برتری گروه اسمی دوم از همه انواع گروه‌های اسمی که مورد اشاره جایگاه تَهِی اول هستند پی برده است.

- کارکرد گفتمانی این فرمولواره، که نوعی برجسته‌سازی گروه اسمی دوم است، را دریافت است.

در این لحظه شنونده فقط منتظر است که بداند گوینده در جایگاه تھی دوم چه عنصری را قرار می‌دهد تا تحلیلش از کل توالی کامل گردد.

۵.۴ نقش فرمولواره‌های نیمه‌ثابت (زایا) در آموزش زبان فارسی

به‌باور نگارنده، نقش فرمولواره‌های زایا در آموزش زبان را می‌بایست همانند قواعد دستوری موجود در کتاب‌های دستوری دانست و در واقع این فرمولواره‌ها را می‌توان با قواعد دستوری (در مبحث آموزش زبان) روی یک پیوستار دانست. به‌عبارت‌دیگر، همان‌گونه‌که می‌توان قواعد دستوری (از قبیل شیوه ساختن ماضی بعید و نقلی یا جملات شرطی و غیره) را (به‌شیوه استقرایی یا قیاسی) به‌همراه مثال‌های متعدد به زبان‌آموز آموخت و بدین وسیله وی را قادر ساخت تا بی‌نهایت جمله دستوری و گویشورگونه تولید کند، فرمولواره‌های زایا نیز در آموزش زبان چنین وضعیتی دارند. یعنی نخست می‌بایست این ساخت‌ها شناسایی شوند و سپس فرمول زیربنایی آن‌ها استخراج و تدوین گردند و حتی مانند ساخت‌های دستوری نام‌گذاری و طبقه‌بندی گردند و سپس به‌همراه مثال‌های متعدد در قالب خرده‌گفتمان‌ها در محتواهای آموزشی گنجانده شوند تا زبان‌آموزان را قادر به درک و شبیه‌سازی در مرحله نخست و ابداع در مراحل بعدی گرداند.

شیوه دیگری که فرمولواره‌های زایا می‌توانند به زبان‌آموزان کمک کنند فرمولواره‌هایی هستند که اولاً از نوع زایا هستند و ثانیاً فقط در جایگاه مشارک دوم می‌آیند. به‌عبارت‌دیگر، این‌ها نیز در پاسخ عبارت قبلی بیان می‌شوند، اما دارای فرمول زیربنایی هستند که براساس آن می‌توان بی‌نهایت عبارت جدید خلق کرد. برای مثال، به نمونه‌های «ب» در خرده‌گفتمان‌های زیر توجه کنید:

نکته: به‌منظور درک بهتر ساختار نیمه‌پیش‌ساخته این عبارت‌ها کوشیدیم تا از هر فرمولواره دو مثال ارائه دهیم تا از راه مقایسه آن‌ها بتوان فرمول زیربنایی و ساختار زایای آن را درک کرد.

الف: رضا بچه خوبی.	ب: مگه ما گفتیم بچه بدیه؟!
الف: ولی خوب بازی می‌کنه!	ب: مگه ما گفتیم بد بازی می‌کنه؟!
الف: دست‌پختت عالی!	ب: املت هم دست‌پخت می‌خواد؟!

- الف: ماشین نو مبارک!
 الف: یعنی اون جا بیست نفر آدم نیست؟!
 الف: دو میلیون داری به من قرض بدی؟
 الف: آدم نمی‌دونه کدوم حرف تو رو باور کنه.
 الف: آدم نباید نمک‌شناس باشه.
 الف: به ما سر نمی‌زنی!
 الف: چه قدر مامانت چاقه؟!
 الف: طلب‌کاری؟!
 الف: ناراحتی؟
 الف: مواظب شوهر ما باش!
 ب: هوای خواهر ما رو داشته باش!
 الف: کبری میگه این دختره زشته.
 الف: خودمونیم، دانشگاهتون خیلی شیرتوشیره.
 الف: آخه این جورى مسئولیت من زیاد می‌شه.
 الف: گفتند قول می‌دهیم سر وقت پرداخت کنیم.
 الف: عاطفه‌ت کجا رفته؟! یه گربه کشته شده
 اون وقت ما بریم شام بخوریم؟!
 الف: اون قدر بدبختیم که یه ماشین نداریم.
 الف: دستم درد می‌کنه.
 الف: بابا، بنده خدا سواد نداره.
 الف: من از رانندگی زنها خیلی می‌ترسم.
 ب: خیلی خجالت کشیدم.
 الف: حاجی کمکم نکردیا!
 الف: من به کسی تهمت نزدم.
 الف: این دختره خوش‌بخت شد!
 الف: ایران کشور آزادیه؟
 الف: اکبر عروسی نیومد؟
 الف: درددل‌هاتو کردی؟
- ب: پراید هم مبارکی داره؟!
 ب: بگو یه نفر.
 ب: بگو یه قرون.
 ب: (آخه) آدم چه ربطی داره به تو؟!
 ب: آدم چه ربطی به این داره؟!
 ب: نه که شما خیلی به ما سر می‌زنی!
 ب: نه که مامان شما خیلی لاغر!
 ب: همچین بده‌کار هم نیستم.
 ب: خوش‌حال هم نیستم.
 ب: شوهر شما باید مواظب ما باشه.
 ب: خواهر شما باید هوای ما رو داشته باشه.
 ب: کبری خودش خیلی خوشگله؟!
 ب: دانشگاه شما خیلی سروصاحب داره؟!
 ب: اوه، چه قدر هم تو مسئولیت‌پذیری؟!
 ب: چه قدر هم اون‌ها خوش‌قول‌اند.
 ب: حالا ما شام نخوریم، گربه زنده می‌شه؟!
 ب: یعنی اگه یه ماشین داشته باشی، خوش‌بخت می‌شی؟!
 ب: دستت درد می‌کنه، زبانت که درد نمی‌کنه!
 ب: سواد نداره، شعور که داره.
 ب: ترس هم داره!
 ب: خجالت هم داره!
 ب: کمک دیگه چه جوریه؟!
 ب: تهمت دیگه چه جوریه؟!
 ب: تا خوش‌بختی رو تو چی بدونی.
 ب: تا آزادی رو تو چی بدونی.
 ب: اکبر کدوم عروسی رو اومد که این‌جا رو بیاد؟!
 ب: آدم با برادرش درددل نکنه با کی بکنه؟

عبارت‌هایی که در قسمت «ب» آمده‌اند همگی فرمولی زیربنایی دارند که می‌توان در اختیار زبان‌آموزان گذاشت و تمریناتی از نوع فرضاً پُرکردن جای خالی (در مراحل مبتدی) و ساختن کل عبارت مربوط به مشارک دوم (در مراحل پیشرفته) را تدوین کرد. به‌باور نگارنده، فراگیری فرمولواره‌های زایای مربوط به مشارک دوم می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا در موقعیت‌های واقعی پاسخ‌هایی اصطلاحی و گویشورگونه و درعین حال کاملاً دستوری داشته باشند.

در بحث آموزش زبان یکی از مهارت‌هایی که زبان‌آموزان در دست‌یابی به آن همواره با چالش روبه‌رو هستند تولید جملات کاملاً جدید و درعین حال دستوری و گویشورگونه است. به عبارت دیگر، زبان‌آموزان اگرچه ممکن است دستورزبان را نسبتاً خوب بدانند، اما بازهم یا جملات تقلیدی کتاب‌های درسی را ارائه می‌کنند یا اگر جمله‌ای از خود می‌سازند، یا دستوری نیست یا حتی اگر دستوری باشد، معمولاً شبیه به آنچه گویشوران بومی بیان می‌کنند نیست (Pawley and Syder 1983: 14).

به‌باور نگارنده، یکی از روش‌های فائق‌آمدن بر بخشی از این مشکل آموزش فرمولواره‌های زایای فارسی به‌همراه مثال‌های متعدد از هرکدام به زبان‌آموزان است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، هر فرمولواره زایا تعدادی جایگاه‌های ثابت و برخی جایگاه‌های تهی دارند که توسط عناصری از یک مقوله نحوی خاص پُر می‌شوند و نیز گفته شد که هر فرمولواره زایا یک توصیف ساختاری و یک توصیف معنایی دارد. نگارنده بر این باور است که با معرفی فرمول زیربنایی فرمولواره‌ها زبان‌آموزان می‌توانند همانند گویشوران بومی بی‌نهایت تصریف صحیح بیان می‌کنند. یکی از دلایل تأکید نگارنده بر ضرورت چنین پژوهش‌هایی نبود این قبیل اطلاعات معمولاً در فرهنگ‌های لغت کنونی است.

۵. نتیجه‌گیری

بدیهی است که فرمولواره‌ها نقش مهمی در فرایند فراگیری و تولید زبان ایفا می‌کنند. آن‌ها ابتدا ظاهراً به صورت کلی فراگرفته می‌شوند. سپس اجزای آن‌ها تکه‌تکه می‌شوند و در ساخت‌های جدید به کار می‌روند.

این پژوهش به معرفی اجمالی پدیده زبان فرمولواره‌ای و موارد مختلف آن در فارسی پرداخت. در ادامه، ضمن ارائه مثال‌هایی برگرفته از پیکره، نقش این ساخت‌ها در

آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را توصیف کرد. داده‌های پیکره‌ای نشان می‌دهند که فرمولواره‌های فارسی تقریباً در تمامی بافت‌های فرهنگی - اجتماعی تکرار شونده (از قبیل سلام و احوال‌پرسی، وداع، معذرت‌خواهی، سرزنش، انتقاد، شوخی، تهدید، تمجید، تعارف، همدردی) به کار می‌روند. لذا می‌توان این‌گونه اظهار داشت که تدوین مواد آموزشی با تأکید بر توالی‌های فرمولواره‌های ثابت و نیمه‌ثابت گامی ولو کوچک در جهت آموزش زبان فارسی و ارتقای سلاست و روانی زبان‌آموزان است. از دستاوردهای این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که با بررسی فرمول زیربنایی عبارت‌های نیمه‌کاره توانستیم خویشاوندی ساخت‌هایی را نشان دهیم که در ظاهر واژه‌هایی متفاوت داشتند و تأکید کنیم که علی‌رغم این تفاوت در ظاهر آن‌ها فرمول زیربنایی یکسانی دارند:

- آدم داریم تا آدم / رفیق داریم تا رفیق / خونه داریم تا خونه

و با بررسی استقرایی (inductively) و مشاهده ساخت‌های متعدد برگرفته از فرمول‌های یک‌سان و فراگیری قیاسی (deductively) توصیف ساختاری آن‌ها می‌توان به کفایت تولیدی آن‌ها دست یافت. دستاورد دیگر توصیفی این پژوهش کمک به پاسخ به پرسش معروف در خصوص ماهیت و میزان دانش منسوب به گویشور بومی هر زبان است. بررسی پدیده زبان فرمولواره‌ای نشان داد که گویشوران علاوه بر دانستن عبارت‌های طولانی در حد جمله یا بیش‌تر (مانند ضرب‌المثل‌ها)، فرمول‌های زیربنایی فراوانی (به‌هم‌راه توصیف ساختاری و معنایی آن‌ها) نیز در ذهن دارند که بخشی از دانش آن‌ها درباره‌ی زبانشان است و به‌کمک آن می‌توانند عبارت‌های فراوانی تولید کنند.

نکته پایانی این که ضرورت تألیف فرهنگ‌هایی به‌منظور توصیف انواع عبارت‌های فرمولواره‌ای (اعم از ثابت و زایا) در فارسی برای استفاده‌ی زبان‌آموزان و مترجمان عمیقاً احساس می‌شود.^۱

پی‌نوشت

۱. پروفیسور کوپیر، استاد زبان‌شناسی دانشگاه کتربری نیوزلند، که بیش از چهار دهه است درباب فرمولواره‌ها قلم می‌زند، در مکاتبه شخصی با نگارنده بیان داشت که اطلاعات مربوط به فرمولواره‌های انگلیسی نیز در فرهنگ‌های لغت عمومی این زبان نیست و اصولاً هیچ فرهنگ تخصصی‌ای در زبان انگلیسی به توصیف فرمولواره‌های این زبان پرداخته است.

کتابنامه

- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
- پایگاه داده‌های زبان فارسی (۱۳۹۴)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاوه، مجتبی (۱۳۹۰)، بررسی، توصیف و تحلیل زبان فرمولواره‌ای در فارسی (ساخت‌های نیمه‌کاره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزاده اهری، مصطفی (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، (۱۳۹۴) مصاحبه حضوری.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران: نیلوفر.
- ورتینکوف، الکساندر (۱۳۸۰)، «برخی ساخت‌های نحوی قالبی شده در زبان فارسی، ترجمه محسن شجاعی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، پیاپی ۳۱.
- وفایی، وحید (۱۳۹۱)، توصیف و تحلیل عبارات ازپیش ساخته‌شده در فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه پیام نور.

- Bahns, J., H. Burmeister, and T. Vogel (1986), "The Pragmatics of Formulas in L2 Learner Speech: Use and Development", *Journal of Pragmatics*, vol. 10.
- Biber, D., S. Conrad, and V. Cortes (2004), "If you Look at Lexical Bundles in University Teaching and Textbooks", *Applied Linguistics*, vol. 25, no. 3.
- Bolander, M. (1989), "Prefabs, Patterns and Rules in Interaction? Formulaic Speech in adult Learners' L2 Swedish", K. Hyltenstam and L. K. Obler (eds.), *Bilingualism across the Lifespan: Aspects of Acquisition, Maturity, and Loss*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Ellis, N. C. (1996), "Sequencing in SLA: Phonological Memory, Chunking, and Points of Order", *Studies in Second Language Acquisition*, vol. 18.
- Ellis, N. C. and Rita Simpson-Vlach (2010), "An Academic Formulas List (AFL): Corpus Linguistics, Psycholinguistics, and Education", University of Michigan.
- Hatami, Sarvenaz (2015), PhD Candidate of Linguistics Alberta University, Personal Correspondence.
- Hickey, T. (1993), "Identifying Formulas in First Language Acquisition", *Journal of Child Language*, vol. 20, no. 1.
- Keckes, Istvan (2003), *Situation-Bound Utterances in L1 and L2*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kuiper, Koenraad (2015), University of Canterbury, Personal Correspondence.
- Pawley, Andrew and Frances Syder (1983), "Two Puzzles for Linguistic Theory: Native Like Selection and Native Like Fluency", in: *Language and Communication*, J. C. Richards and R. W. Schmidt (eds.), London: Longman.
- Peters, A. M. (1983), *The Units of Language Acquisition*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.

- Quirk, Randolph, Geoffrey Leech, and Jan Svartvik (1972), *A Grammar of Contemporary English*, Cambridge: CUP.
- Saberi, Koroush (2014), *Routine Politeness Formula in Persian: A Socio-Lexical Analysis of Greetings, Leave-Taking, Apologizing, Thanking and Requesting* (PhD Thesis), University of Canterbury, News land.
- Schmitt, Norbert and Carter Roland (2004), "Formulaic Sequences in Action", *Formulaic Sequences*, Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins Publishing Co.
- Van Lancker Sidtis, Diana (2009), "Formulaic and Novel Language in a 'Dual Process' Model of Language Competence", R. Corrigan et al. (eds.), *Formulaic Language: volume 2: Acquisition, Loss, Psychological Reality, and Functional Explanations*, Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins Publishing Co.
- Wood, D. (2002), "Formulaic Language in Acquisition and Production: Implications for Teaching", *TESL Canada Journal*, vol. 20.
- Wray, Alison (2002), *Formulaic Language and the Lexicon*, Cambridge: CUP.
- Wray, Alison, (2014), Cardiff University, Personal Correspondence.